

پرسش ۱۶۴: آیہی (فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ).

سؤال / ۱۶۴: ما معنى قوله تعالى: (فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ) ([562]) ؟

معناى این گفته‌ی حق تعالی چیست؟ (پس سوگند به جایگاه‌های ستارگان) ([563]).

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين

النجوم هم: آل محمد (عليهم السلام) ([564])، قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): (إن

أهل بيتي أمان لأهل الأرض كما أن النجوم أمان لأهل السماء) ([565]).

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و

سلم تسليماً.

ستارگان، آل محمد (عليهم السلام) هستند. ([566]) پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود:

«اهل بيت من امان اهل زمين اند همان گونه كه ستارگان امان اهل آسمان هستند.»

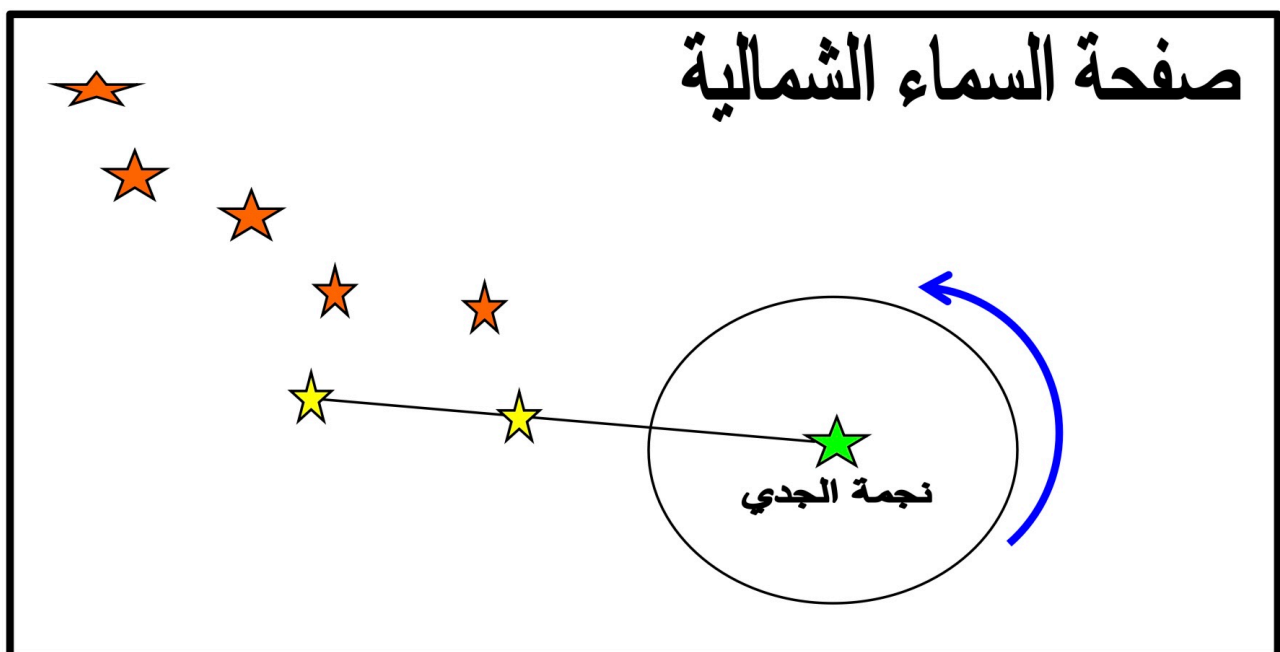
([567])

أما مواقع النجوم في السماء ففيها آية من آيات الله سبحانه وتعالى، فالنجوم السبعة الدالة على نجمة الجدي في السماء يمثلون آل محمد (عليهم السلام)، فالثلاثة الأولى تمثل: (محمداً وعلياً وفاطمة (عليها السلام))، أما الأربعة البقية فهي دالة بحسب ترتيبها؛ الاثنان الأقرب إلى الثلاثة هما (الحسن والحسين عليهما السلام)، والاثنان الآخران أحدهما تدل على (الأئمة الثمانية)، والأخرى تدل على الإمام المهدي (عليه السلام)، وهما الأقرب إلى نجمة الجدي.

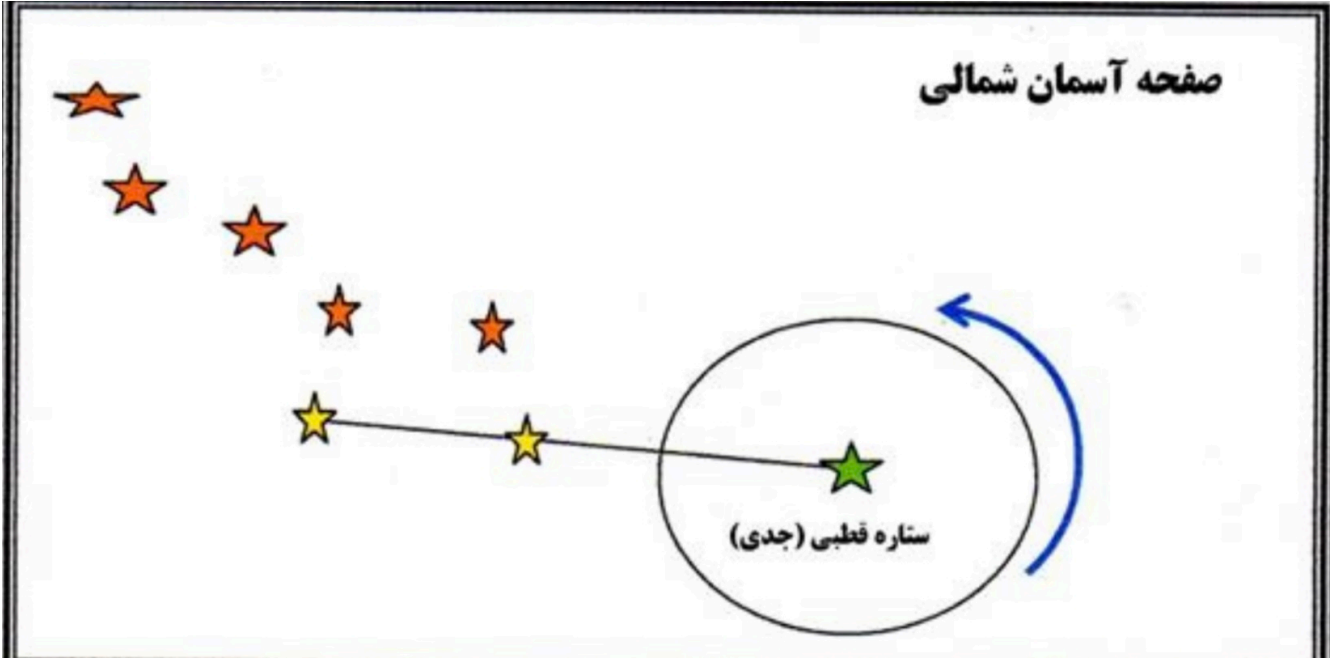
اما جایگاه‌های ستارگان در آسمان، نشانه‌ای از نشانه‌های خداوند سبحان و متعال را در بردارند. ستارگان هفت‌گانه که بر ستاره‌ی جدی (ستاره‌ی قطبی) در آسمان دلالت دارند، تمثیلی از آل محمد (علیهم السلام) می‌باشند: سه تایی اول به‌سان محمد، علی و فاطمه (علیهم السلام) است و چهار ستاره دیگر برحسب ترتیب خود، دلالت دارند. دو تایی نزدیک‌تر به سه تایی اول عبارت‌اند از حسن و حسین (علیهما السلام) و از دوتایی دیگر، یکی‌شان بر ائمه‌ی هشت‌گانه (علیهم السلام) دلالت دارد و دیگری بر امام مهدی (علیه السلام) و این دو به ستاره‌ی قطبی (جدی) نزدیک‌ترند.

وكل هذه النجوم هي دالة على الجدي في السماء. والجدي هو دليل القبلة، فبه يستدل الناس على القبلة في الليل المظلم، والقبلة هي جهة السجود إلى الله سبحانه وتعالى، فنجمة الجدي هي الدالة على الإمام المهدي (عليه السلام)، أي المعرفة به [568]، وهذا شأن النجوم في السماء.

تمامی این ستارگان بر ستاره‌ی قطبی (جدی) در آسمان اشاره دارند و جدی اشاره‌گر قبله است و در شبِ تاریک مردم از آن برای یافتن قبله راهنمایی می‌گیرند. قبله جهت سجده گزاردن به سوی خداوند سبحان و متعال است و ستاره‌ی قطبی نیز بر امام مهدی (علیه السلام) دلالت دارد؛ یعنی آن حضرت را می‌شناساند؛ [569] و این است شأن و جایگاه ستارگان در آسمان.



ونجمة الجدي هي النجمة الوحيدة الثابتة في السماء، وهي لا تتحرك؛ لأنها واقعة على محور دوران الأرض.



ستاره‌ی قطبی تنها ستاره‌ی پایدار در آسمان است و حرکتی ندارد؛ چرا که بر محور چرخش زمین قرار گرفته است.

قال تعالی: (وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ * إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ * فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ * لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ * تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ * أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ ...)([570])، أي إن هذا القسم قسم بنجمة الجدي، وهو المهدي الأول الدال على الإمام المهدي، والنجوم الدالة عليها هم: محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين والأئمة والإمام المهدي (عليه السلام)([571])، وهم (عليهم السلام) النجوم الدالة على نجمة الجدي أو المهدي الأول، ذلك أنهم عرفوا الناس به من خلال كلامهم والروايات التي وردت عنهم، وكذلك من خلال الرؤى التي يراها المؤمنون بهم (عليهم السلام)([572])، وهم يشيرون إلى إتباع المهدي الأول؛ لأنه نجمة الجدي الدالة على القبلة، أي إنه الدليل إلى الإمام المهدي (عليه السلام)، قال تعالی: (وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ)([573]).

حق تعالی می فرماید: (و اگر بدانید این سوگندی است بزرگ * هر آینه، این قرآنی است گرامی قدر * در کتابی مکنون * که جز پاکان بر آن دست نیازند * نازل شده از جانب پروردگار جهانیان است * آیا این سخن را سبک و دروغ می شمارید؟....) ([574]) ؛ یعنی این سوگند، سوگند به ستاره‌ی جدی (قطبی) است. او مهدی اول است که بر امام مهدی (علیه السلام) دلالت و راهنمایی می کند و ستارگانِ دلالت کننده بر آن عبارت‌اند از: محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، ائمه و امام مهدی (علیهم السلام)؛ ([575]) آن‌ها ستارگان راهنمایی کننده به ستاره‌ی جدی یا مهدی اول هستند؛ چراکه از طریق سخنان‌شان و روایاتی که از آن‌ها وارد شده است، او را به مردم معرفی کرده‌اند همچنین از طریق رؤیاهایی که مؤمنان این معصومین (علیهم السلام) را می بینند و آن‌ها را به پیروی از مهدی اول دعوت می کنند؛ ([576]) چراکه او همان ستاره‌ی قطبی است که بر قبله دلالت دارد؛ یعنی وی راهنما به سوی امام مهدی (علیه السلام) می باشد. حق تعالی می فرماید: (و اگر بدانید این سوگندی است بزرگ). ([577])

وفي آية أخرى: (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبَأِ الْعَظِيمِ) ([578])، أي هو المهدي الأول واليمني .

و در آیه‌ای دیگر: (از چه می پرسند؟ * از آن خبر بزرگ) ([579]) ؛ یعنی مهدی اول و یمانی.

(إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ): أي إنه القرآن الناطق؛ لأن أول المهديين (لا يمسه إلا المطهرون): لا يعرف شيئاً من حقيقته إلا المطهرون، وهم الثلاث مائة وثلاثة عشر أصحاب الإمام المهدي (عليه السلام).

(إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ) یعنی او قرآن ناطق است؛ زیرا نخستین مهدیین می باشد (جز پاکان بر آن دست نیازند) : کسی به جز پاکان که همانا سیصد و سیزده نفر اصحاب امام مهدی (علیه السلام) می باشند چیزی از حقیقت او نمی داند.

(أَفْبَهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُذْهَبُونَ): أي بهذا الحديث أنتم شاكون.

(آیا این سخن را سبک و دروغ می شمارید؟) : یعنی شما از این سخن در شک و

تردید هستید.

وقال تعالى: (وَالْفَجْرِ * وَلَيَالٍ عَشْرٍ * وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ * وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ * هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حَبْرِ) [580].

و حق تعالی می فرماید: (سوگند به سپیده ی صبح، * و سوگند به شب های ده گانه،

* و سوگند به شفع (جفت) و وتر (تک)، * و سوگند به شب چون روی به رفتن نهد * آیا

در این خصوص سوگندی برای خردمند وجود دارد؟). [581]

(وَالْفَجْرِ): هو الإمام المهدي (عليه السلام)، (وَلَيَالٍ عَشْرٍ): هم الأئمة (عليهم السلام)،
عبر عنهم الليالي لأنهم عاشوا في دولة الظالمين.

(وَالْفَجْرِ): امام مهدی (علیه السلام) است. (وَلَيَالٍ عَشْرٍ) (شب های ده گانه): ائمه (علیهم

السلام) هستند، که از آن ها به شب ها تعبیر کرده چون در دولت ستمکاران زندگی کرده اند.

(وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ): الشفع علي وفاطمة عليهما السلام، والوتر هو رسول الله

(صلى الله عليه وآله وسلم)، عبر عن علي وفاطمة عليهما السلام بالشفع؛ لأنهما نور

واحد، وعبر عن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) بالوتر؛ لأنه لا نظير له في الخلق [582].

(وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ): «شفع» على و فاطمه (عليهما السلام) است و «وتر» رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم). از علی و فاطمه (عليهما السلام) به شفیع تعبیر کرده؛ چراکه این دو بزرگوار، نوری یکسان هستند، و از رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به وتر؛ چراکه آن حضرت در میان خلق بی نظیر و بی همتاست. [583]

(وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُ): أي إذا انقضت دولة الظالمين والظلم والظلام المرافق لها، كأنها ليل يمضي ويذهب عند بزوغ فجر الإمام المهدي (عليه السلام).
(و سوگند به شب چون روی به رفتن نهد) : یعنی هنگامی که دولت ستمگران و ظلم و تاریکی همراه آن از بین برود؛ گویی شبی است که به هنگام برآمدن صبح امام مهدی (علیه السلام) ، می رود و به پایان می رسد.

(هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرِ): قسم هو المهدي الأول، أي هل في ذلك دلالة وبيان كافٍ في معرفة المهدي الأول.
(آیا در این خصوص سوگندی برای خردمند وجود دارد؟) : سوگند همان مهدی اول است؛ یعنی آیا در آن زمان دلالت و بیان کافی در معرفت مهدی اول وجود دارد؟

(أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ * إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ * الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ * وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ * وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ * الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ * فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ * فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ * إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمُرْصَادِ) [584]، أي إنّ (روح المهدي الأول) هي من جند الله، وكانت مع علي بن أبي طالب (عليه السلام) عندما أنزل جند الله من الملائكة العذاب بعاد و ثمود وفرعون، الذين طغوا في البلاد [585].

(آیا ندیدی که پروردگار تو با قوم عاد چه کرد؟ * با ارم که ستون‌ها داشت؟ * که همانند آن در هیچ شهری آفریده نشده بود * و قوم ثمود که در آن وادی سنگ می‌بریدند، * و قوم فرعون، آن دارنده‌ی میخ‌ها، * آن‌ها که در سرزمین‌ها طغیان کردند، * و در آن‌ها به فساد درافزودند * و پروردگار تو تازیانه‌ی عذاب را بر سرشان فرود آورد * زیرا پروردگار تو سخت در کمین است) ([586])؛ یعنی «روح مهدی اول» جزو لشکر خداوند است و همراه با علی بن ابی طالب (علیه السلام) بوده، زمانی که لشکر خدا از فرشتگان عذاب را بر عاد، ثمود و فرعون که در سرزمین‌ها طغیان کردند، فرورستاد. ([587])

وملائكة الله و جنود الله يأترون بأمر المهدي الأول، كما أنه يأتهم بأمر الإمام المهدي (عليه السلام)، حتى يصل الأمر إلى علي (عليه السلام)، وهكذا علي (عليه السلام) يأتهم بأمر محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)، ومحمد بأمر الله.

فرشتگان خدا و لشکریان خدا از مهدی اول فرمان می‌برند، همان‌گونه که وی از امام مهدی (علیه السلام) فرمان می‌برد تا این که امر به حضرت علی (علیه السلام) برسد و به همین صورت، علی (علیه السلام) از حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمان می‌برد و محمد نیز فرمانبر فرمان خداوند است.

فالذي أنزل العذاب بالأمم المتمردة هو الله سبحانه وتعالى، وهو محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)، وهو علي (عليه السلام) وهو الإمام المهدي (عليه السلام) ...، وهو المهدي الأول ...، وهم ملائكة الله الذين يأترون بأمر جند الله سبحانه وتعالى.

کسی که عذاب را بر امت‌های سرکش نازل کرد، خداوند سبحان و متعال است، و او حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است که عذاب را نازل کرد، و او حضرت علی (علیه السلام) است که عذاب را نازل کرد، و او امام مهدی (علیه السلام) است که عذاب را نازل کرد ... و او

مهدی اول است که عذاب را نازل کرد... و آنها فرشتگان خدایند که امر لشکر خداوند سبحان و متعال را به اجرا می‌رسانند.



[562] - الواقعة : 75.

[563] - واقعه: 75.

[564] - عن المفضل بن عمر الجعفي، قال: (سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول في قول الله عز وجل: (فلا أقسم بمواقع النجوم وإنه لقسم لو تعلمون عظيم) يعني به اليمين بالبراءة من الأئمة (ع) يحلف بها الرجل يقول: إن ذلك عند الله عظيم) من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 377، ح 4326. وعن أبي جعفر (عليه السلام)، قال: (إنما نحن كنجوم السماء كلما غاب نجم طلع نجم، حتى إذا أشرتم بأصابعكم وملتم بأعناقكم، غيب الله عنكم نجمكم، فاستوت بنو عبد المطلب، فلم يعرف أي من أي، فإذا طلع نجمكم فاحمدوا ربكم) الكافي: ج 1 ص 338 باب في الغيبة، ح 8.

[565] - الامالي للشيخ الصدوق: ص 738.

[566] - از مفضل از عمر جعفی: شنیدم ابا عبد الله امام صادق ع درباره‌ی این سخن خداوند عزوجل (فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ * وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ) (پس سوگند به جایگاه‌های ستارگان* و اگر بدانید این سوگندی است بزرگ) فرمود: «این آیه می‌فرماید: اگر کسی سوگند بیزاری از ائمه بخورد، در نظر خداوند بسی عظیم است». من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 377 ح 4326؛ و از ابا جعفر ع روایت شده است که فرمود: «ما همانند ستارگان آسمان هستیم؛ وقتی یکی از ما مخفی شود، ستاره‌ای دیگر نمایان می‌گردد تا آن‌که با انگشتان‌تان اشاره کنید و با گردن‌هایتان متمایل شوید و در آن هنگام خداوند ستاره‌ی شما را مخفی می‌کند. پس فرزندان عبدالمطلب مسلط شوند و هیچ یک از دیگری باز شناخته نشود. پس هرگاه ستاره‌تان نمایان شد، پروردگارتان را سپاس گوید». کافی ج 1 ص 338 باب در غیبت ح 8.

[567] - امالی شیخ صدوق: ص 738.

[568] - فالمهدي الأول هو من يشير ويدل الناس إلى الإمام المهدي بشكل خاص والأئمة (ع) بشكل عام ويعرفهم حق الأئمة (ع)، وهذا ما نطقت به رواياتهم (ع)، فورد ذكر الإمام الصادق (عليه السلام) للمهديين ووصفهم بأنهم (قوم من شيعتنا يدعون الناس إلى موالاتنا ومعرفة حقنا) كمال الدين وتمام النعمة: ص 358 ح 56، وفي الحديث الآخر: (فأسألوه عن تلك العظام التي يجيب فيها مثله) غيبة النعماني: ص 179، أو الحديث الآخر الوارد عنهم (ع) بقولهم: (ولا يسأل عن شيء بين صديفيها إلا أجاب) المصدر المتقدم: ص 250.

[569] - مهدی اول همان کسی است که به صورتی خاص به امام مهدی ع اشاره و مردم را به او راهنمایی می‌کند و ائمه به طور عام؛ و مهدی اول حق ائمه (علیهم السلام) را به آنان می‌شناساند و این در روایاتشان (علیهم السلام) ذکر شده است. گفته‌ی امام صادق ع در مورد مهدیین آمده و این که آن‌ها «گروهی از شیعیانمان هستند که مردم را به پیروی از ما و شناخت حق ما راهنمایی می‌کنند» توصیف شده‌اند (كمال الدين و تمام النعمة: ص 358 ح 56) و در حدیثی دیگر: «پس، از او از

بزرگ‌ترین اموری که کسی مگر شبیه به او نمی‌تواند آن‌ها را پاسخ گوید، برسید» (غیبت نعمانی: ص 179) یا در حدیثی دیگر که از آن‌ها (علیهم السلام) وارد شده است: «و از هیچ چیزی که بین دو کفه‌ی صدف قرار دارد (هر چیز غامضی - مترجم) پرسیده نمی‌شود مگر این که پاسخ گوید» (غیبت نعمانی: ص 250).

[570] - الواقعة : 76 - 81.

[571] - أما بالنسبة لارتباط النجوم بآل البيت (ع) فقد تم تفصيل القول فيها في كتاب (المهدي والمهديين في القرآن والسنة) وأما أن الأئمة (ع) يشيرون إلى المهدي الأول في عالم الشهادة فعن طريق رواياتهم التي وصفته أدق الوصف، فراجع كتاب (البلاغ المبين) و (النور المبين)، من إصدارات أنصار الإمام المهدي (عليه السلام).

[572] - من هذه الأحاديث قول الإمام الصادق (عليه السلام) حين خرجت الرابات السود من خراسان، إذ قال: (اجلسوا في بيوتكم فإذا رأيتمونا قد اجتمعنا على رجل فانهدوا إلينا بالسلاح) الغيبة للنعماني: ص 203، والأئمة (ع) في زمن القائم متوفون بأجمعهم إلا الإمام القائم (عليه السلام) فلا يمكن اجتماعهم إلا في الرؤيا أو الكشف عند أهل البصائر، والكثير من الروايات غيرها، راجع كتاب (فصل الخطاب في حجية رؤيا أولي الألباب) للأستاذ أحمد خطاب، من إصدارات أنصار الإمام المهدي.

[573] - ولعل في الرواية الاتية إشارة إلى المهدي الأول بأنه هو النجم الذي على الأمة أن تصبر حتى يظهر لهم :

عن أبان بن تغلب، قال: قال لي أبو عبد الله (عليه السلام): (يأتي على الناس زمان يصيبهم فيه سبطة يأرز العلم فيها بين المسجدين كما تأرز الحية في جحرها، يعني بين مكة والمدينة، فبينما هم كذلك إذ أطلع الله عز وجل لهم نجمهم، قال: قلت: وما السبطة؟ قال: الفترة والغيبة لإمامكم، قال: قلت: فكيف نضع فيما بين ذلك؟ فقال: كونوا على ما أنتم عليه حتى يطلع الله لكم نجمكم) كمال الدين وتمام النعمة : ص 349.

وهو أيضاً الذي يشير إليه كلام الإمام علي (عليه السلام) ووصفه بأنه (طالع المشرق): (... واعلموا أنكم إن اتبعتم طالع المشرق سلك بكم مناهج الرسول فتداويتم من العمى والعمى والبكم وكفيتهم مؤونة الطلب والتعسف ونبذتم الثقل الفادح عن الأعناق ولا يبعد الله إلا من أبي وظلم واعتسف وأخذ ما ليس له، وسيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون) الكافي : ج 8 ص 63 - 66.

[574] - واقعه: 76 تا 81.

[575] - تفصيل چگونگی ارتباط داشتن ستارگان به اهل بیت (علیهم السلام) در کتاب «مهدی و مهدیین در قرآن و سنت» آمده است. ائمه (علیهم السلام) در عالم شهادت به مهدی اول اشاره می‌کنند؛ از طریق روایاتشان که او را با دقیق‌ترین توصیف وصف می‌کنند. می‌توانید به کتاب‌های «بلاغ مبین» و «نور مبین» از انتشارات انصار امام مهدی ع مراجعه نمایید.

[576] - از جمله‌ی این احادیث گفتار امام صادق ع برای هنگامی است که پرچم‌های سیاه از خراسان برمی‌خیزند که می‌فرماید: «در خانه‌ها تان بنشینید و هنگامی که دیدید ما بر مردی گرد آمده‌ایم، با سلاح به سوی ما بشتابید» (غیبت نعمانی: ص 203). ائمه (علیهم السلام) در زمان قائم به غیر از امام قائم ع وفات یافته‌اند تا گرد آیند و گرد آمدن آن‌ها ناممکن می‌باشد مگر در رؤیا یا از طریق مکاشفه برای اهل بصیرت. روایات بسیار دیگری نیز وجود دارد. به کتاب «سخن نهایی در حجت بودن رؤیای صاحبان خرد» نوشته‌ی استاد احمد خطاب از انتشارات انصار امام مهدی ع مراجعه نمایید.

[577] - در روایات پیش‌رو، اشاره‌ای به این که مهدی اول همان ستاره‌ای است که امت باید صبر پیشه کنند تا ظاهر شود، می‌باشد:

از ابان بن تغلب که گفت: ابو عبد الله ع به من فرمود: «زمانی بر مردم خواهد آمد که در آن برهه‌ای وجود خواهد داشت که علم مانند ماری که به لانه خود پناه می‌برد، به گوشه‌ای پناه می‌برد؛ یعنی بین مکه و مدینه، و در آن هنگام است که ستاره‌ای بر

مردم طلوع خواهد کرد». عرض کردم: منظور از برهه‌ای از زمان چیست؟ فرمود: «فترت و غیبت امامتان». عرض کردم: در این حین چه باید بکنیم؟ فرمود: «بر آن چه هستید باقی بمانید تا خداوند ستاره‌ی شما را ظاهر گرداند». کمال الدین و تمام النعمة: ص 349.

همچنین او کسی است که گفتار امام علی ع در وصفش با عبارت «طلوع‌کننده‌ی مشرقی» به او اشاره می‌نماید: «... بدانید اگر از طلوع‌کننده‌ی (قیام‌گر) مشرق پیروی کنید، او شما را به آیین پیامبر درمی‌آورد و از کوری، کری و گنگی نجات می‌دهد و از رنج طلب و خودکامگی آسوده می‌شوید و بار سنگین را از شانه‌هاتان بر زمین می‌نهد. خداوند کسی را از رحمت خود دور نمی‌سازد مگر آن‌که از پذیرش حق سرباز زند و ظلم پیشه نماید و زور بگوید و آن‌چه را که از آن او نیست به ناحق بستاند؛ و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشت‌گاه برخوانند گشت». کافی: ج 8 ص 63 تا 66.

[578] - النبأ: 1 - 2 .

[579] - نبأ: 1 و 2.

[580] - الفجر: 1 - 5.

[581] - فجر: 1 تا 5.

[582] - عن جابر عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال قوله تعالى: (والفجر) هو القائم و (الليالي العشر) الأئمة عليهم السلام من الحسن إلى الحسن، و (الشفع) أمير المؤمنين وفاطمة عليهما السلام، و (الوتر) هو الله وحده لا شريك له (والليل إذا يسر) هي دولة حبر. فهي تسري إلى قيام القائم (عليه السلام) بحار الأنوار: ج 24 ص 78.

[583] - از جابر از ابوعبدالله ع روایت شده است: «سخن حق تعالی: والفجر، منظور قائم است و شب‌ها، امامان ده‌گانه (علیهم السلام) از حسن تا حسین و شفیع، امیرالمؤمنین و فاطمه ع و وتر، منظور خداوند است که شریکی ندارد و (واللیل إذا یسر) حکومت حبر می‌باشد که تا زمان قیام قائم ادامه می‌یابد». بحار الانوار: ج 24 ص 78.

[584] - الفجر: 6 - 14.

[585] - جاء في خطبة لأمير المؤمنين (عليه السلام) تسمى التطنجية: (... ولو علمتم ما كان بين آدم ونوح من عجائب اصطنعتها، وأمم أهلكتها: فحق عليهم القول، فبئس ما كانوا يفعلون. أنا صاحب الطوفان الأول، أنا صاحب الطوفان الثاني، أنا صاحب سيل العرم، أنا صاحب الأسرار المكنونات، أنا صاحب عاد والجنات، أنا صاحب ثمود والآيات، أنا مدمرها، أنا مزلزها، أنا مرجعها، أنا مهلكها، أنا مدبرها، أنا بأبيها، أنا داحيها، أنا مميتها، أنا محيها ...) مشارق أنوار اليقين: ص 263 - 264.

وعن الرسول (ص) أنه قال: (يا علي كنت مع الأنبياء سرّاً ومعهم جهراً) نفحات الأزهار للميلاني: ج 5 ص 111.
وعن سلمان المحمدي وأبي ذر الغفاري (عليه السلام) عن أمير المؤمنين (عليه السلام) في حديث طويل جاء فيه: (... أنا حملت نوحاً في السفينة، أنا صاحب يونس في بطن الحوت، وأنا الذي حاورت موسى في البحر، وأهلكت القرون الأولى، أعطيت علم الأنبياء والأوصياء، وفصل الخطاب، وبي تمت نبوة محمد، أنا أجريت الأنهار والبحار، وفجرت الأرض عيوناً، أنا كآب الدنيا لوجهها، أنا عذاب يوم الظلة، أنا الخضر معلم موسى، أنا معلم داود وسليمان، أنا ذو القرنين، أنا الذي دفعت سمكها بإذن الله عز وجل، أنا دحوت أرضها، أنا عذاب يوم الظلة، أنا المنادي من مكان بعيد، أنا دابة الأرض ...) مشارق أنوار اليقين: ص 257.

[586] - فجر: 6 تا 14.

[587] - در خطبه‌ای از امیرالمؤمنین که به تطنجیه معروف است، آمده: «... اگر بدانید بین آدم و نوح چه عجایبی به انجام رسانیدم و امت‌ها که هلاک کردم؛ عذاب به حق بر آنان تعلق گرفت و چه بد اعمالی انجام دادند! من صاحب طوفان اول و

صاحب طوفان دوم هستم، من صاحب سیل ارم هستم، من صاحب اسرار سر به مهر هستم، همراه قوم عاد و آن باغها، همراه قوم ثمود و آن آیات، من آنها را ویران کردم، زلزله ایجاد کردم، من بازگرداننده‌شان هستم، نابودکننده‌شان و تدبیر کننده‌شان، من بناکننده‌شان هستم، گستراننده‌شان، میراننده‌شان و زنده‌کننده‌شان هستم....». مشارق انوار الیقین: ص 263 و 264.

از رسول خدا ص روایت شده است: «ای علی! تو در نهان با انبیا بودی و آشکارا با من». نفحات الازهار میلانی: ج 5 ص 111.

از سلمان محمدی و ابوذر غفاری از امیرالمؤمنین ع در حدیثی طولانی روایت شده است: «.... من نوح را در کشتی حمل کردم، من همراه یونس در شکم ماهی بودم، و من همان کسی هستم که با موسی در دریا سخن گفتم، کسی که سرزمین‌های پیشین را هلاک نمود. به من علم انبیا و اوصیا داده شده و فصل الخطاب. با من نبوت محمد تکمیل می‌شود. من دریاها را جاری ساختم، و چشمه‌های زمین را شکافتم. من دنیا را بر رویش افکندم. من عذاب روز قیامت هستم. من خضر معلم موسی هستم. من تعلیم دهنده‌ی داوود و سلیمان هستم. من ذوالقرنینم. من همان کسی هستم که به اذن خداوند عزوجل سدش را برداشت. من زمین را گسترانیدم. من عذاب روز قیامت هستم. من همان منادی از مکانی دور هستم. من جنبنده‌ی زمین هستم....». مشارق انوار الیقین: ص 257.